اَلتَّمرينُ السّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَريبَةَ في كُلِّ مَجموعَةٍ.

معنی این کلمه ناهماهنگ در هر مجموعه ای را.

١ـ نَماذِج ■	حَمير ☐	ثَعالِب ☐	ذِئاب ☐
٢ـ سِروال ☐	صَمْت ■	فُسْتان ☐	قَميص ☐
٣ـ مُمَرِّضَة ☐	بائِعَة ☐	فَلّاحَة ☐	قَيِّمَة ■
٤ـ أَحْمَر ■	أَحْسَن ☐	أَجْمَل ☐	أَصْلَح ☐
٥ـ أَصْفَر ☐	أَزْرَق ☐	أَبْيَض ☐	أَكْثَر ■
٦ـ خَدّ ☐	سِنّ ☐	لِسان ☐	مَرح ■

نمونه‌ها / الاغ‌ها / روباه‌ها / گرگ‌ها
شلوار / سکوت / پیراهن زنانه / پیراهن
پرستار / فروشنده / کشاورز / ارزشمند
قرمز / بهتر / زیباتر / شایسته‌تر
زرد / آبی / سفید / بیشتر
گونه / دندان / زبان / حیوان‌درنده

اَلتَّمرينُ الثّامِنُ: ضَعْ فِي الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً.

قرار بده در جای خالی کلمه مناسب را.

١ـ اِشْتَرَيْنا ..... وَ فَساتينَ بِأَسْعارٍ رَخيصَةٍ في الْمَتْجَرِ.
خریدیم — و لباس‌های زنانه ای با قیمت‌های ارزان در دکان

سَراويل ■ أَشْهُراً ☐ مَواقِف ☐
شلوارها — ماه‌ها — ایستگاه‌ها

٢ـ ذَهَبَ الْعامِلُ إلىٰ بَيْتِهِ بَعْدَما ..... واجِباتِهِ بِدِقَّةٍ.
رفت کارگر به خانه‌اش بعد از انکه — وظایفش را با دقت

ضَلَّ ☐ ساءَ ☐ تَمَّمَ ■
گم شد — بد شد — تمام کرد

٣ـ إنَّنا ..... هَديَّةً لِزَميلِنا الْفائِزِ في الْمُسابَقَةِ.
ما — هدیه‌ای به همکاری برنده‌مان در مسابقه

عَمَرْنا ☐ أَهْدَيْنا ■ غَلَبْنا ☐
آباد کردیم — هدیه کردیم — چیره شدیم

٤ـ والِدي يَشْتَغِلُ في مُؤَسَّسَةٍ ..... ثَقافِيَّةٍ.
پدرم کار می‌کند در یک موسسه — فرهنگی

تَرْبَوِيَّةٍ ■ نَموذَجٌ ☐ رُكوبٍ ☐
تربیتی — نمونه — سوار شدن

٥ـ يا زَميلي، دَعْ ..... لَكَ حَقيراً لِرِضَا اللّٰهِ.
ای هم کلاسی‌ام، رها کن — کوتاه فکرت را به خاطر خشنودی خدا.

شاتِمَ ■ نَوعِيَّةَ ☐ أَسْعارَ ☐
دشنام دهنده — جنس — قیمت‌ها

٦ـ إنَّ الـ ..... آلَةٌ لِمَعرِفَةِ وَزْنِ الْأَشياءِ.
همانا — وسیله‌ای است برای شناخت وزن اشیا.

مِفتاحَ ☐ مِصباحَ ☐ ميزانَ ■
کلید — چراغ — ترازو